

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و همچنین با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه ها آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه و زدودن خرافات از ذهن ها باشیم.

بدون شک، تفکر صحیح و بدون دور از جزم اندیشی نیازمند آموزش است و معمولا به شکل طبیعی در کسی شکل نمیگیرد. با بهره گیری از اصول تفکر منطقی و منصفانه میتوان باورهای منطقی و مستدل داشت، تصمیم های با کیفیت تری گرفت، در پیدا کردن راه حل برای مشکلات موفق تر عمل کرد، احساسات و عواطف خود را بهتر به کنترل خود در آورد، و در کنار اینها از قابلیت تفکر در آموزش و یادگیری بهره برد و کیفیت یادگیری را بالاتر برد. از این رو مهارت درست فکر کردن در مجامع دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته و اصول تفکر صحیح به شکلی آکادمیک طراحی میشود تا به افراد جامعه کمک کند تا تصمیم های منطقی تری بگیرند و در حل مشکلات و مسائل با تیزبینی عمل کنند. امیدواریم این برنامه ها مورد توجه شما عزیزان قرار گیرد.

طرح چند سوال: چقدر در شما میل به هم رنگ شدن با دیگران وجود دارد؟ آیا تا بحال پیش آمده که بخاطر عقیده و باورتان از طرف خانواده، دوستان یا دولت تحت فشار قرار گیرید؟ چرا درست فکر کردن نیاز به این دارد که انسان دل و جرات داشته باشد؟

شهامت فکری

انسان بطور طبیعی تمایل دارد در جهت برآورده کردن خواسته ها و نیازهای خود و گروه خود، فکر و اندیشه خود را بکار گیرد. ما بطور طبیعی توان ذهنی و فکری خود را در جهت توجیه باورها و تصمیم های خود و گروه خود بکار میگیریم. ما به اشتباه، باورهای خود، تصمیم های خود و راه حل هایی که ارائه می کنیم را به هویت خود گره می زنیم، به گونه ای که ذهنیت یک سرباز را پیدا می کنیم و با تمام وجود در صدد دفاع از باورها و تصمیم های خود بر می آییم.

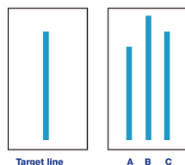
وقتی برخی مهارت های فکری را یاد می گیریم، همواره این خطر وجود دارد که این دانش و معلومات را به شکل ترفند هایی در جهت اهداف خودخواهانه بکار گیریم. برای جلوگیری از این کار، لازم است در

کنار مهارت هایی که یاد میگیریم، برخی خصلت های فکری را نیز در خود ایجاد کنیم تا مانع از بکار گیری خودخواهانه و منفعت طلبانه مهارت ها شوند. از این رو گفته میشود تفکر نقادانه دو بال دارد: مهارت های فکری و فضیلت های فکری. در کنار مهارت هایی که یاد می گیریم، باید برخی فضیلت های فکری نیز در ما ایجاد شود تا مهارت ها در جهت منافع شخصی و گروهی و در جهت باطل بکار گرفته نشود. یکی از ویژگیهای اخلاقی که باید در خود ایجاد کنیم تا فکر و اندیشه خود را منصفانه و منطقی بکار گیریم، **شهامت فکری** است.

اولین نشانه داشتن این خصلت فکری این است که انسان هیچ ترس و واهمه ای از این نداشته باشد تا عقاید و باورهای مردم پسند جامعه خود را مورد پرسشگری و سنجشگری قرار دهد. انسان متفکر با شهامت و شجاعت باورها و عقاید رایج جامعه خود را در بوته نقد قرار میدهد. به پرسش گرفتن باورهای رایج در یک جامعه معمولاً کار آسان و بی دردسری نیست و با واکنش دیگران مواجه میشود، دیگرانی که همواره ما را به سمت هممرنگی و همنوایی با خود فرا می خوانند.

آزاد اندیشی و به پرسش گرفتن باورهای رایج و پرتطرفدار در جامعه، شهامت و دلیری می طلبد و اکثر افراد چنین شهامتی ندارند. انسان بطور طبیعی مایل است تا با مردم جامعه خود در همنوایی بسر ببرد. میل به هممرنگ شدن با جماعت از عادت های فکری دیرینه بشر است. انسان در طول تاریخ، از ترس اینکه از قبيله و گروهی که به آن تعلق دارد طرد شود، همنا شدن با دیگران را سر لوحه کار خود قرار میدهد.

امروزه با انجام آزمایشهایی نشان می دهند که تا چه اندازه میل به هممرنگ شدن با دیگران در انسان قوی است. یکی از این آزمایشها را اش (Solomon Asch) انجام داد. در این آزمایش شش نفر شرکت کننده بود که میبایست به تصویر هایی نگاه کنند و بگویند خط لوح شماره یک با کدام سه خط از لوح شماره دو هم اندازه است.



در این آزمایش از پنج شرکت کننده خواسته شده بود تا نقش بازی کنند و دروغ بگویند. وقتی لوح نشان داده می شد، در حالیکه خط لوح شماره یک با خط C در لوح شماره دو هم اندازه بود، هر پنج نفر طبق هماهنگی قبلی که انجام شده بود اظهار میکردند که با خط A هم اندازه است. شرکت کننده ای که از این هماهنگی ها بی خبر بود، ابتدا جواب درست را میداد، ولی کم کم در دفعات بعد تصمیم گرفت با دیگر اعضای گروه همنا شود و شروع کرد به جواب نادرست دادن، صرفاً تا مثل بقیه باشد و با آنها فرقی نداشته باشد. خیلی باید مراقب باشیم که حلقه دوستان و نزدیکان ما را چه کسانی تشکیل می دهند چون در انسان میل به هممرنگ شدن با اجتماع بسیار قوی است. اینکه می گویند طرز فکر شما معدل طرز فکر پنج نفر از نزدیک ترین افراد با شماست را جدی بگیریم.

همواره آزاد اندیشانی که باورها و عقاید مردم جامعه خود را به پرسش گرفته اند و نقد کرده اند مورد اذیت و آزار قرار گرفته اند. نمونه عینی آن اسپینوزا بود که با بررسی علمی متون مقدس، به این جمع بندی رسید که این متون حاصل فکر انسان هستند و نمی توانند آنگونه که ادعا میشود، وحی باشند. جامعه یهود او را از خود راند، و مجبور شد در انزوا زندگی کند چون هیچ کس اجازه نداشت با او سخن بگوید، از او چیزی را بخرد یا چیزی را به او بفروشد. او بوسیله علمای دین یهود لعن و نفرین شد، ولی با شهامت و دلیری بر سر عقیده خود ماند و تمام فشارها را تحمل کرد و یکی از ارزنده ترین دیدگاههای فلسفی را به بشریت تقدیم کرد. فلسفه اسپینوزا نتیجه شهامت فکری فیلسوفی بود که به خود ترس راه نداد و با شجاعت و دلیری به فعالیت فکری خود ادامه داد. هر چند در رنج و مشقت زندگی کرد، ولی پا پس نکشید و اندیشه ورزی را بر زندگی بیهوده ترجیح داد.

سقراط بزرگ نیز که او را اولین شهید راه عقیده می دانیم، متهم شد که خدایان زمان خود را زیر سوال میبرد و ذهن جوانان را نسبت به باورهای مذهبی سست میکند. دادگاه آتن، به جرم فاسد کردن جوانان، بزرگترین فیلسوف زمان خود را به مرگ محکوم کرد تا شاید سقراط بترسد و طلب بخشش کند. اما سقراط بر سر عقیده خود ماند و هرگز طلب بخشش نکرد تا بزرگترین روسیاهی تاریخ نصیب چند قاضی بی خردی شود که نابغه زمان خود را با اتهام های واهی به چنگال مرگ سپردند. سقراط سمبل فضیلت های فکری و بخصوص شهامت فکری بود. او در مقابل کسانی که هرگز در قواره او نبودند، سر خم نکرد و محکم از فکر و عقیده خود دفاع کرد. حتی وقتی شاگردانش با پرداخت رشوه به نگهبانان امکان فرار از زندان را شب قبل از اجرای حکم فراهم کردند از فرار خودداری کرد و به شاگردانش گفت فرار کار انسان های ترسو است. او در زندان ماند و در روز اجرای حکم جام شوکران را سر کشید، ولی هرگز به خود ترس راه نداد و حقیقت را قربانی مصلحت نکرد.

یادگیری مهارت درست اندیشیدن محدود به فراگیری برخی مهارت ها مثل تشخیص مغالطه در استدلال، شناخت سوگیری ها و یادگرفتن هنر تصمیم گیری نمیشود. در کنار این مهارت ها باید برخی ویژگی های اخلاقی در انسان متفکر ایجاد شود که یکی از آنها شهامت فکری است. هر زمان سخن از شهامت فکری به میان می آید به یاد ایمانوئل کانت در مقاله روشنگری می افتیم.

وقتی یکی از مجلات آلمانی از کانت به عنوان یکی از فیلسوفان آخر عصر روشنگری درخواست کرد تا با فاصله ای که از عصر روشنگری گرفته شده بود به بازاندیشی روشنگری بپردازد، و مفهوم آنرا توضیح دهد او در مقاله ای با عنوان **روشنگری چیست** به این درخواست جواب داد. کانت، دلیری در به کار گرفتن فهم خویش را شعار روشنگری دانست و به زیبایی بر اهمیت شهامت فکری و استقلال فکری تاکید کرد.

کانت روشنگری را خروج آدمی از نابالگی فکری اش دانست و نابالگی را نتیجه ناتوانی در به کار گرفتن فهم خویش بدون هدایت دیگری دانست. کانت بر این نکته تاکید داشت که مادامی که ما در بکار گرفتن فهم خود محتاج هدایت و ارشاد دیگری هستیم و دیگری هادی ماست و ما را راه می برد، هنوز به مرحله روشن اندیشی نرسیده ایم. مقصود کانت این نیست که نباید از فکر و اندیشه دیگران بهره ببریم، بلکه میخواهد بگوید در حل مشکلات خود باید تنها بر فهم خود متکی باشیم. در اینجا کانت

به یکی دیگر از فضیلت های فکری اشاره میکند و آن استقلال فکری است که در ادامه بحث پیرامون فضیلت های فکری به آن خواهیم پرداخت. کسانی که می خواهند دیگری بجای آنها و برای بیندیشد، هنوز در خامی به سر می برند و به بلوغ فکری نرسیده اند. بر پای خویش ایستادن و به خود متکی بودن، یکی از ارکان فکری فلسفه کانت است.

کانت نابالغی فکری انسان را «به تقصیر خویشتن خود» میداند و تصریح میکند: به تقصیر خویشتن است این نابالغی، وقتی که علت آن نه کمبود فهم، بلکه **نداشتن اراده و دلیری** در بکار گرفتن آن باشد. اگر ما ناتوان از بکار گرفتن فهم خود بدون هدایت دیگری باشیم و این ناتوانی نه لزوما در کمبود فهم بلکه در فقدان دلیری باشد، آنگاه هنوز در نابالغی به سر می بریم و این نابالغی به تقصیر خویشتن است.

البته باید توجه داشته باشیم که در کنار دلیری و شهامت فکری، باید مهارت لازم را جهت بکارگیری فهم خود داشته باشیم و هر دو جنبه مهارت و فضیلت باید در ما وجود داشته باشد. نکته ای که مد نظر کانت است، این است که ممکن است کسی بخاطر نداشتن دلیری و شهامت، خود را در نابالغی فکری نگه دارد. از این رو تاکید میکند که شجاع باش و فهم خود را بکار بگیر.

مشکل اینجاست که ما بطور طبیعی میل به همنا شدن با دیگر اعضای گروه خود و دنباله روی از دیگران را داریم. انسان به عنوان موجودی اجتماعی، نرم های جامعه خود را بدون سنجشگری می پذیرد. برای اینکه دنباله روی را کنار بگذاریم و خود بیندیشیم باید شهامت فکری داشته باشیم.

البته شهامت فکری در جوامعی که آزادی عقیده وجود دارد با جوامعی که آزادی عقیده را به رسمیت نمی شناسند، تا اندازه زیادی متفاوت است. در جوامع سنتی، دنباله رو نبودن و احتراز از قبول باورهای رایج، ممکن است به قیمت جان انسان تمام شود. صرفا بحث طرد شدن از گروه یا تمسخر و استهزا مطرح نیست.

ریچارد پال و لیندا الدر نقطه مقابل شهامت فکری را بزدلی فکری می دانند، اما می توان این فضیلت فکری را نیز روی محور صفر و صد در نظر گرفت و میانگین و حد وسط را نقطه ایده آل دانست. نقطه صفر یا حد تقریبی برای این خصلت میشود بزدلی فکری که شخص از ترس عواقب و پیامدهایی که ممکن است وجود داشته باشد، در باره برخی موضوعات حتی حاضر نباشد فکر کند. نقطه صد یا حد افراط برای این ویژگی این است که شخص دچار بی پروایی فکری شود و با کله شقی بی دلیل و بدون اینکه نفعی داشته باشد، خود را به خطر اندازد و نفله کند. حد اعتدال این دو وضعیت، شهامت فکری است. تشخیص اینکه در کدام موقعیت باید شهامت داشته و باورهای رایج را به پرسش بگیریم و چه زمان باید محافظه کاری کرد به عهده خود ماست. ما مثال ها و نمونه های گوناگونی در این زمینه داریم.

از طرفی سقراط را داریم که بر سر عقیده و نظر خود ماند و جاننش را فدای عقیده اش کرد. از طرفی اسپینوزا را داریم که رنج طرد شدن از جامعه را تحمل کرد تا بتواند فلسفه خود را به بشریت معرفی

کند. در این دو مورد می بینیم که ارزشش را داشت تا با شهادت فکری، بهترین خدمت به بشریت صورت پذیرد.

در نقطه مقابل سقراط و اسپینوزا، ما برتراند راسل را داریم که می گوید من حاضر نیستم در راه عقیده ام کشته شوم چون شاید عقیده ام اشتباه باشد. تشخیص حدود شهادت فکری تا جایی که ما دچار افراط و تفریط نشویم، بستگی به **موقعیت و نتیجه** ای که حاصل میشود دارد. گاهی انسان متفکر صلاح را در این میدانند که برود و با رفتن خود مسیر را به دیگران نشان دهد. گاهی تشخیص می دهد اگر بماند می تواند مفید تر باشد و افراد بیشتری را متوجه مسیر کند.

نکته ای که باید به آن توجه داشته باشیم این است که اکثر انسانها باورها و عقاید خود را بدون اینکه مورد سنجشگری قرار دهند، به صرف تعلق به یک جامعه و محیط قبول می کنند. لازم است به خود گوشزد کنیم که چه بسا باورهای جامعه ما نادرست باشد و باورهای دیگران که ما نسنجیده آنها را باطل فرض می کنیم، به حقیقت نزدیک تر باشد. لذا باید شهادت داشت و باورها و عقاید را نقادانه بررسی کرد.

انسان بطور طبیعی بدنبال بدست آوردن تایید و حمایت گروه خود است. بیرون رانده شدن از قبیله همیشه برای انسان دردآور و هراس انگیز بوده است.

در تفکر نقادانه، به صراحت در این باره صحبت می شود و متفکر واقعی کسی است که باورهای جامعه خود را مورد سنجشگری قرار میدهد، بخصوص باورهایی که بسیار گرامی داشته میشوند. برای انسان متفکر، محبوبیت یا عدم محبوبیت باور و عقیده ای سبب نمی شود تا آنرا مورد سنجش قرار ندهد. انسان متفکر از اینکه بخاطر عدم پذیرش کورکورانه باورها و عقاید یک جامعه، بوسیله دیگران طرد شود و مورد آزار و اذیت قرار گیرد، هراسی به خود راه نمی دهد. مبنا و سنججه او، برای قبول باور و عقیده ای این است که دلایل و شواهد قابل قبولی داشته باشد.

وقتی میخواهیم دیدگاههای مختلف را با هم مقایسه کنیم، شهادت فکری به ما کمک میکند اینکار را منصفانه و بدون حب و بغض انجام دهیم. شما چقدر برای زیر سوال بردن باورهای رایج جامعه خود شهادت دارید؟ باورهایی که در کودکی به شما القا شد، زمانی که قدرت تشخیص مناسبی نداشتید. آیا جرات دست کشیدن از باورهایی که از کودکی داشتید ولی در حال حاضر دلایل محکمی برایشان ندارید را دارید؟ آیا جرات و شهادت قرار گرفتن در مقابل اکثریت را دارید؟ چقدر اهل دنباله روی و همنوا شدن با دیگران هستید؟

باید این آمادگی را داشته باشیم تا ایده ها و باورهایی را که مدت ها درست میدانستیم مورد بررسی مجدد قرار دهیم و اگر پس از بررسی و سنجشگری متوجه شدیم این عقاید و نظرات با دانش جدیدی که کسب کرده ایم و با قدرت فکری که پیدا کرده ایم، منطقی و قابل دفاع نیستند، با شهادت این باورها را کنار بگذاریم. این کار جرات و جسارت می خواهد بخصوص اگر در جامعه ای زندگی میکنیم که دست کشیدن از باورهای آن، برای انسان عواقب ناگواری را به همراه خواهد داشت.

انجام این کار، یعنی دست کشیدن از باورهایی که سالها به آن معتقد بودیم کار ساده ای نیست. چون هم به آنها عادت کرده ایم و ترک عادت موجب مرض است و دیگر اینکه بقول برتراند راسل چگونه انسان میتواند به تاول های پاهایش بگوید تمام مسیری که آمده، اشتباه بوده است؟ این است که بر اشتباه خود اصرار میورزد.